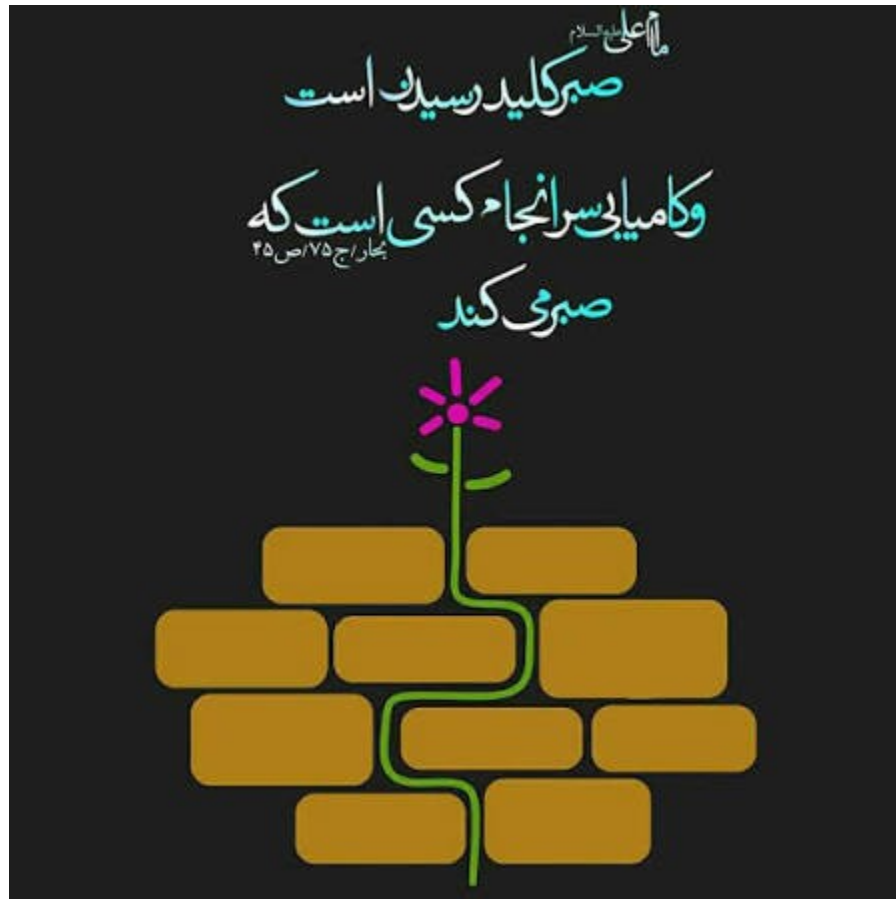


دریادل باشیم



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء
محمد مصطفی و آل طاهرینش

وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

(آل عمران ایه 134)

آنان خشم خود را فرو می برند، و از [خطاهای] مردم در می گذرند؛ و خدا
نیکوکاران را دوست دارد.

و فرمود:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

(فرقان ایه 63)

و بندگان رحمان کسانی اند که روی زمین با آرامش و فروتنی راه می روند، و
هنگامی که نادانان آنان را طرف خطاب قرار می دهند [در پاسخشان] سخنانی
مسالمت آمیز می گویند،

یکی از ویژگی‌های عبادالرحمان اینه که **دریادل هست** کسی که دریا دل
هیچ وقت کینه به دلش راه نمیده اگر کسی اذیتش کرد می‌بخشدش فراموش
می‌کنه

بسیاری از نزاعها و اختلافها سر این است که دریادل نیستیم. اگر همه مردم دریادل
باشند بسیاری از پرونده های قضایی مختومه میشود. بسیاری از دشمنی ها پایان
می پذیرد و...

در این کتاب به ابعاد مختلف دریادل بودن اشاره شده است.

تابستان 1405. کرمانشاه

دریادل باشیم...

می‌دونید که شیخ علی تهرانی شاگرد حضرت امام بودن چون به ایشون پُستِیو
مقام و منصبی ندادند مثلاً ایشون دوست داشت امام جمعه تهران

باشه ولی نشد لذا جزو دشمنان جمهوری اسلامی شد و رفت عراق به صدام پناه
برد و در رادیو عراق علیه امام و نظام حرف می‌زد فحش می‌داد به امام... به
حضرت امام گفتند دیشب مثلاً شیخ علی تو رادیو به شما فحش میداد! امام فرمود
من تو نماز شب دعاش می‌کردم
. کسی که عبده

وقتی طرفش بدی بش می‌کنه عبد به جاش خوبی می‌کنه
یک عارفی بود به نام آیت الله محمد جواد انصاری همدانی شاگردی داشت که
این شاگرد ۱۷ بار ایشان را تکفیر کرد یعنی هر دفعه می‌گفت این استاد من کافره
علیهش حرف می‌زد بعد می‌آمد توبه می‌کرد استاد قبولش می‌کرد دوباره بعد از
مدتی تکفیر می‌کرد استاد رو بعد مدتی توبه می‌کرد و استاد می‌بخشیدش. و

آقای محمد جواد انصاری می گفت مقصر منم من نتونستم ایشونو خوب تربیت کنم خودشو مقصر میدونست نه اون شاگرد رو.

همچنین افراد دیگه‌ای بودند که به ایشون بدی کرده بودند بعد می آمدن از ایشون حلالیت می خواستند ایشان می گفت من یادم نیست شما به من بدی کردید یادم نیست

داستان مالک اشتر و شنیدید نقل است مالک اشتر که فرمانده سپاه امیرالمومنین لبود روزی با لباس شخصی تو بازار میرفت یه جوان بی ادبی پوست خربزه میندازه برای ایشون ایشون هم یه نگاهی به این جوان میکنه راهشو ادامه میده .بازاریان میگن می دونید این اقا کی

بود؟ مالک اشتر فرمانده سپاه امیرالمومنین! پدر تو در میاره !بدن جوان به ریشه و به لرزه می افته میره دنبال مالک اشتر عذرخواهی کنه می بینه مالک رفت تو مسجدی اینم میره تو مسجد. مالک مشغول نماز شد کنارش می شینه نماز مالک تمام میشه میگه آقا من اشتباه کردم ببخشید. مالک اشتر میگه من نمی خواستم پیام مسجد شما این کارو که انجام دادی آمدم مسجد دو رکعت نماز خوندم از خدا خواستم خدا شما را ببخشه ...آدمای دریادل اینجوری هستنند عبد باید اینجور باشه نه اینکه

همین محله سر یه جا پارک ماشین یه شب این همسایه طایفه خودشو بیاره باعث رعب و وحشت بشه. شب بعد این طایفه خودشو بیاره باعث ناراحتی همسایه ها بشه. واقعاً الان تو کشورهای خارجی وقتی می فهمن طرف ایرانیه یه خانمی از روسیه آمده بود میگفت اونجا تا می فهمن ما ایرانی هستیم تا کمر خم میشن میگن شما دهن امریکارو سرویس کردید شما مردم بزرگی هستید نباید سر جای پارک دو تا همسایه به جان هم بیافتند چرا چون دریادل نیستند خیلی از این دعوای ۱۰۰ نفره و ۲۰۰ نفره مال ادمایی است که دریادل نیستند.

بنده امام جمعه حسن آباد تهران بودم. یه روز ۵۶ نفر زن و مرد آمدن گفتن ما مال یکی از روستاهای فلان شهر هستیم روز عاشورا یه جوانی از ما کشته شد فامیل های اون مقتول همه ما که فامیل های قاتل هستیم را تهدید کردن گفتن اگر بمانید شما

کشته میشید. و ما الان چند ماهه آواره هستیم تو شهرها. شما بیاید بین ما سازش بدید. گاهی اوقات در یه روستایی آدمای هستن اینا دریادل نیستند در خیلی از شهرهای اینجوریه هر کجا مردم دریادل نداره این مصیبت ها پیش میاد. امروز صحبت یه روستایی کردن

گفتند یه درگیری پیش آمده ۵ نفر کشته شدن در یه درگیری ۵ نفر همو کشتن
واقعاً آیا پیامبر ما اینا رو قبول داره میگه تو مسلمان هستی

نقل است مردم میدیدن آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی هر شب جمعه
یک گونی کاغذ تو دجله میاندازه. گفتن آقا چیه گفت اینا نامه های فحشی ست
. که برای من میرسه همه رو جمع می کنم می ذارم تو گونی تو اب می اندازم.

حضرت امام به دفتردارش فرمود شما این نامه هایی که میاد همه نامه های تشکر و
خیلی اظهار ارادته. نام های فحشو چرا نمیارید من بخونم آدمای مومن این چنین
هستند لذا اگر می خوایم عبد خدا باشیم باید این چنین باشیم مبادا یک کسی به ما
بدی کرد ما کینه به دل بگیریم با بشیم بهش اعتنایی کنیم دیگه بهش سلام نکنیم
باهاش دعوا بکنیم

علتش اینه که اینایی که اینجوری هستند اهل مسجد و اهل منبر و اهل سخنرانی و
اهل نماز و اینا نیستند بیشترم ماهواره نگاه می کنن اینترنشنال دروغگو نگاه
می کنن بعدم خیال می کنن اونایی که آدمای فاسد و شرابخوار و زنا کار هستند
راست میگن گوینده تلویزیون ما مثلاً خانم سحر امامی این خانم شجاع محجبه
دروغ میگه! این دروغ میگه اون راست میگه

عرض کردیم کسی که جزو عبادالرحمان است

باید دریادل باشه کسی که دریا دل هست اهل تلافی کردن نیست...

اقایی میگفت که برادرم صد بار رفتم بهش سر زدم ولی اون هیچ نیامده به من
سر بزنه منم تصمیم گرفتم دیگه خونس نرم! اسلام اینو قبول نمی کنه اگر اون به
وظیفش عمل نکرد شما باید به وظیفه عمل کنی یا مثلاً رفتم خانه فلانی به من
بی احترامی کرد غذای مثلاً کم هزینه برای من آورد مثلاً ما کارونی برامون
درست کرد! منم تصمیم گرفتم تلافی کنم!
میگند.

یکی از علما با پسرش رفت به یکی از شاگرداش سر بزنه در زد اون طلبه آمد اون
عالم و استاد گفت ما می خواهیم به شما سر بزنیم. شاگرد گفت ببخشید الان من
آمادگی ندارم و در و بست. این عالم با پسرش برگشت پسرش گفت بابا دیدی
به ما بی احترامی کرد گفت نه این به دستور قرآن عمل کرده قرآن می فرماید اذا
قيل لكم ارجعوا ارجعوا اگر رفتید در خانه یه نفر گفت آمادگی ندارم شما
برگردید ناراحتی نداره آمادگی نداشته مثلاً با زنش دعواش بوده مثلاً فرضاً

یکی از همین آقای زوار میگه که ما رفتیم همین کربلا شب مونده بودیم حالا
پسر و عروس و کی و کی همراهمون هست. الان کجا بریم خسته کوفته .یه
عراقی آمد و ما رو سوار کرد و گفت من می برم خانهام. گفت مارو برد خانه اش
زنش شروع کرد دعوا کردن با شوهرش چرا زوار آوردی! چرامهمان آوردی! ما
.آمادگی نداریم ناراحت بود زنش

شوهرش مجبورش کرد که غذا درست کنه... درست نیست وقتی که آمادگی
نداره طرف ناراحتی نداره

میگه نه من تلافی می کنم ما رفتیم به ما بی احترامی کرد منم باید تلافی بکنم
اصلاً چیزی به اسم تلافی کردن در دین ما نیست

یا سوءظن نباید داشته باشیم. مثلاً میگه به فلانی زنگ زدم جواب نداد پیام دادم
جواب نداد منم می خوام تلافی کنم اونم اگه زنگ زد جوابش نمیدمیا فلانی من
رفتم ازش قرض بگیرم داشت و نداد حالا او آمده میگه قرض بده منم می خوام
.تلافی کنم بهش ندم. ولی در دین ما هست که

اگر او به شما قرض نداد شما بهش قرض بده. ما پیرو اهل بیت هستیم اهل بیت
خیلی بزرگوار بودند اصلاً به فکر اینکه تلافی کنن نبودند. میگند که یه نفر
چشمش افتاد به گنبد امام حسین(ع) گفت امام حسین قسمت میدم به حق

مادرت زهرا از شمر شفاعت نکن! گفتن آقا چی میگی تو مگر امام حسین از شمر شفاعت میکنه؟ گفت بله اینا یه خاندان بزرگواریند میترسم روز قیامت امام حسین از شمر شفاعت کنه

عالم همه قطره و دریاست حسین. خوبان همه بنده و مولاست حسین. ترسم که ببخشد از قاتل خویش. از بس که کرم دارد و آقااست حسین.

اگر یه چیز کوچیکی پیش آمده یه سوء تفاهمیش آمده یه سوء ظنی شده. بعد یک کینه به دل بگیریم اصلاً این در اسلام قابل قبول نیست. ما این زیارت حرمها که میریم برای اینکه درس بگیریم از اینا والا کسی هزار بار بره کربلا ولی آدم کینه‌ای باشه آدم بد اخلاقی باشه چه فایده داره این همه کربلا رفتن؟

اهل بیت خیلی بزرگوار بودن نقل است امام حسن او مد تو خونه دید دست گوسفندش شکسته گفت کی شکسته غلام گفت من کردم امام فرمود چرا این کارو کردی گفت برای اینکه شما را ناراحت کنم آقا فرمود ولی من شما رو خوشحال می کنم شما در راه خدا آزادی! او گفت من می خوام شما رو ناراحت کنم اما آقا فرمود من می خوام شما رو خوشحال کنم اصلاً دنبال انتقام نبودند. بله انتقام از امریکا از اسرائیل از منافقین از جاسوسان

از اونایی که قرآن‌ها و مساجد رو آتش زدن باید باشه ولی با خودمان باید دریادل باشیم. **اشداء مع الکفار رحماء بینهم**. خدا دستور داده گفته اصحاب پیامبر با هم مهربانند. مهربونی یعنی که اگر او به شما بدی کرد شما بهش خوبی بکنید و بعد چقدر اثر داره این کارو انجام بدید حتی کارهای خیلی بد بد. یه نمونش عرض میکنم یکی از

شخصیت‌هایی که مکرر با امام زمان علیه السلام ملاقات داشته آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی هست و ایشان

کسی بوده است که آنقدر بزرگوار بوده سر نماز جماعت ایشان در صحن طلای امیرالمومنین امام جماعت بود سر نماز یه نفر گلوی پسر طلبه ایشان رو برید و ایشانو کشت و شهید کرد مردم ریختن قاتلو گرفتن تحویل پلیس عراق دادن آخر شب آیت الله فرمود قاتل کجاست گفتن زندانه. بلند شد رفت زندان و فرمود من هیچ شکایتی از ایشان ندارم. این بزرگان اگر این کارها رو نمی‌کردند که محضر امام زمان مشرف نمیشدند.

کسی که کینه‌ای باشه اصلاً امام زمان بهش نگاه نمی‌کنه کسانی که محضر امام زمان مشرف شدن آدمای خیلی بزرگواری بودن دریادل بودن حضرت هم اونا رو

می پذیرفت مثلاً علی ابن مهزیار مثل محمد تقی بافقی که در یک سفر سه بار

محضر امام زمان مشرف شده اینا خیلی بزرگوار بودن

ما هم اگه می خوایم عبد خدا باشیم باید این چنین باشیم

نمونه هایی از عبادالرحمان...

سیلی سرباز بر صورت شهید بروجردی

در دفتر فرماندهی سر و صدا به حدی رسید که فرمانده سپاه منطقه هفت از اتاقش بیرون آمد و جویای قضیه شد.

مسئول دفتر گفت: "این سرباز تازه از مرخصی برگشته ولی دوباره تقاضای مرخصی دارد".

"فرمانده گفت: "خب! پسر جان تو تازه از مرخصی آمدی همیشه دوباره بری

یک دفعه سرباز جلو آمد و سیلی محکمی نثار شهید بروجردی کرد. در کمال تعجب دیدم شهید بروجردی خندید و آن طرف صورتش را برد جلو و گفت: "دست سنگینی داری پسر! یکی هم این طرف بزن تا میزان بشه

بعد هم او را برد داخل اتاق. صورتش را بوسید و گفت: "ببخشید، نمی دانستم این
قدر ضروری است. می گم سه روز برات مرخصی بنویسند

سرباز خشکش زده بود و وقتی مسئول دفتر خواست مرخصیش را با کارگزینی
هماهنگ کند گوشی را از دستش گرفت و گفت: "برای کی می خوای مرخصی
بنویسی؟ برای من؟ نمی خواد. من لیاقتش را ندارم

بعد هم با گریه بیرون رفت. بعدها شنیدم آن سرباز راننده و محافظ شهید
بروجردی شده؛ یازده ماه بعد هم به شهادت رسید. آخرش هم به مرخصی نرفت

ایه الله گلپایگانی و مردی که زنش چهاربار زایید

شخصی پیش ایشان رفت و گفت زنم زاییده و پول ندارم! اقا به ایشان کمک مالی کرد. رفت و بعد مدت کوتاهی آمد و دوباره گفت زنم زاییده و پول ندارم! اقا باز به ایشان کمک مالی کرد... تا چهار بار این مرد آمد و درخواست کمک می کرد. بار چهارم اقا به ایشان پول داد و فرمود قدر زنت را بدان که سالی چهاربار زایمان می کند

شخصی از، بستگان حضرت امام بلند شد امام را بزند ولی امام تبسم می کرد
نقل است که در مهمانی خانوادگی در منزل حضرت امام بعد انقلاب. سرسفره
یکی از بستگان امام با ایشان تندی کرد و حتی بلند شد امام را بزند ولی حضرت
امام تبسم می کردند.